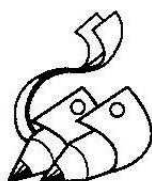


سلسله پژوهشهای ایرانشناسی ۱۶

رنگین کمان هفتاد رنگ!
پارادوکس ایرانی

Iranian Pradoxical



نشر دستور



نشر قلم

گردآورنده: غلامرضا بهرامی

شماره شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۵۶-۱۴۴-۶

سرشناسه:	بهراد، غلامرضا، ۱۳۴۵ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور:	رنگین کمان هفتاد رنگ! پارادوکس ایرانی = Iranian Paradoxical / گردآورنده غلامرضا بهراد.
مشخصات نشر:	تهران: قو، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری:	۱۳۶ ص. ۱۴ × ۲۱ س.م.
فروست:	سلسله پژوهشهای ایران شناسی؛ ۱۶.
شابک:	978-964-156-144-6
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۱۲۸] - ۱۳۶.
موضوع:	ایران -- اوضاع اجتماعی -- قرن ۱۴.
موضوع:	Iran -- Social conditions -- 20th century
موضوع:	مسائل اجتماعی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع:	Social Problems -- Iran -- History -- 20th century
موضوع:	ایرانیان -- آداب و رسوم و زندگی اجتماعی -- تاریخ
موضوع:	Iranians -- Social life and customs -- History
موضوع:	فرهنگ ایرانی -- تاریخ (Culture, Iranian -- History)
موضوع:	ایران -- تمدن (Iran -- Civilization)
رده بندی کنگره:	DSR ۱۵۸۶
رده بندی دیویی:	۹۵۵ / ۰۸۴۰۴۴
شماره کتابشناسی ملی:	۷۶۲۶۸۰۶



نشر دستور



نشر قو

● رنگین کمان هفتاد رنگ، پارادوکس ایرانی

● غلامرضا بهراد

● نوبت چاپ: اول ● تابستان ۱۴۰۰ ● قطع: وزیری (۱۴۶ صفحه)

● شمارگان: ۵۰۰ جلد ● قیمت: ۴۵۰/۰۰۰ ریال ● طراحان: ابوتر بهراد، علی یاراحمدی

● چاپ: سینا، صحافی: حافظ، تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۵۳۱۴۸۲۷۷

● شماره شابک: ۶-۱۴۴-۱۵۶-۹۶۴-۹۷۸

● حق چاپ محفوظ است

نشانی، تهران، صندوق پستی ۴۴۹۷-۱۴۱۵۵ پیام نگار: Ghnikbakht@gmail.com

موضوع	صفحه
مقدمه	۶
بخش اول: جغرافیای تاریخی ایران	۱۲
تهاجم	۱۵
بخش دوم: حوادث طبیعی	۱۹
آب	۲۰
بخش سوم: رقابتها و کشمکشهای داخلی ایران	۲۱
سفر به هندوستان و چین	۲۳
مدرسه عالی سپه سالار	۲۴
اختلافات دینی و مذهبی	۲۵
بخش چهارم: فلات ایران، نخستین خاستگاه تمدن	۳۲
بخش پنجم: جشنهای ایران باستان	۳۵
زردشت	۳۸
تشابه و اشتراکات میان آیینهای مابعد زردشتی و اسلام	۳۹
بخش ششم: پارسیان	۴۱
کوروش و نخستین پایه گذاری حقوق بشر	۴۲
تخت جمشید پایتخت آیینی	۴۵
ایرانیان یا یونانیان؟ کدام یک در علم پیشتاز بوده اند؟	۴۹
اندیشه دموکراسی در ایران یا یونان؟ کدام پیشقدم هستند؟	۵۲
بخش هفتم: دوره اسلامی	۵۹
گرایش ایرانیان به مذهب شیعه	۶۴
حفظ حیثیت و کرامت انسانی مخالفان سیاسی	۶۷
نوآوریهای علمی مسلمانان	۶۷
ویژگیهای دوره سامانیان	۶۹
چرا عصر سامانی، دوره طلایی تمدن ایران شد؟	۶۹

۷۶	بخش هشتم: نگاهی به ویژگیهای رفتاری ایرانیان
۷۹	تعطیلات
۸۱	ترکیب تعطیلات رسمی ایران
۸۲	کشورهای تلاشگر
۸۴	پیامدهای تنبلی و رابطه آن با پیشرفت
۸۴	سایه ترس و تهدید
۸۷	دلایل عقب ماندگی ایران
۸۸	دروغ گوئی
۸۹	خودمداری
۹۰	پنهان کاری
۹۱	ظاهر سازی و سطحی نگری
۹۳	بی مسئولیتی
۹۴	تملق و چاپلوسی
۹۵	قانون گریزی
۹۷	منفی گرایی
۹۷	عدم شجاعت اخلاقی
۹۹	بی برنامه گی
۱۰۰	احساس موقتی بودن
۱۰۰	تقدیر گرایی
۱۰۱	هم رنگ جماعت شدن
۱۰۲	فقدان روحیه جمعی
۱۰۲	مطلق گرایی
۱۰۲	انتقاد ناپذیری
۱۰۳	عوامل و ریشه های عدم پذیرش انتقاد
۱۰۴	آثار مثبت نقد پذیری
۱۰۵	روحیه غیر علمی
۱۰۵	عدم مطالعه و کتاب خوانی

۱۰۷	تقلید در برابر نوآوری
۱۰۷	کنجکاوی و تفحص
۱۰۷	شتاب‌زدگی و عجول بودن
۱۰۹	میل به تخریب دیگران
۱۰۹	سازگاری
۱۰۹	عدم اعتماد به نفس
۱۱۰	نارضایتی عمومی و احساس محدودیت نسبی
۱۱۱	افسردگی
۱۱۴	رسانه‌های گروهی
۱۱۴	تضاد ارزشهای نو و کهنه
۱۱۵	گروه‌بندی جامعه ایرانی
۱۱۷	بخش نهم: آموزش و پرورش
۱۲۰	نظام آموزشی در ایران
۱۲۱	سخن آخر
۱۲۱	چرا یا چطور؟ کدام به کار می‌آید؟
۱۲۲	پارادوکس در منزلت
۱۲۳	پارادوکس در معیشت
۱۲۳	پارادوکس در اصل‌سی‌ام
۱۲۴	پارادوکس در امنیت شغلی
۱۲۴	پارادوکس در آموزش مؤثر
۱۲۵	پارادوکسی به نام مدرسه‌محوری و تمرکززدایی
۱۲۶	پارادوکس در سواد و آموزش
۱۲۶	پارادوکس مهارت‌آموزی
۱۲۷	پارادوکس مشارکت و خردجمعی
۱۲۸	کتابنامه (به ترتیب حروف الفبا)

مقدمه

پرده گوش اگر بال سمندر گردد تب کند از اثر گرمی افسانه ما
گرد بادی شود و دامن صحرا گیرد گر به دیوار فتد، سایه دیوانه ما

کهن ترین سروده های ایران و جهان که در کتاب مقدس «اوستا» به جای مانده است، حکایت از آن دارد که ایران ویج^۱ مرکز جهان و آغازگر فرهنگ و تمدن بشری بوده است. «نظامی گنجهای» چه زیبا سروده است که:

همه عالم تن است و ایران دل نیست گوینده زین قیاس خجل
چونکه ایران، دل زمین باشد دل ز تن به بُود یقین باشد

این تنها «اوستا» نیست که به ایران، به عنوان نقطه آغازین می نگرد، بلکه در وداهای^۲ هند و متون باستانی چین و در سوی دیگر در لوحه های سرزمینهای غربی ایران و سرانجام در تورات. مرز و بوم ایران به سان بهشت نخستین، شناخته شده است. (عطایی، ۱۳۹۲: ۴۰)

در فراخنای تاریخ و تمدن، با سرزمینی روبرو هستیم که خاستگاه و سرچشمه والاترین اندیشه ها و بینشها و منشهای انسانی است. دل تپنده جهان، سرزمین پرافتخار ایران، مرز و بوم نیاکان سخت کوشی که با دستاوردهای شگرف خود در زمینه های فرهنگ و تمدن و دانش، نام نیک و آبرویی جاوید برای ما به جا گذاردند. به طوری که محققان تاریخ باستان به اثبات رسانده اند، ذوب مس و ترکیب مفرغ و سپس ذوب آهن از ابتکارهای ایرانیان بوده است. با این فلز سخت می توانستند اسباب و ادوات جنگی و شکار سازند و وسایل کشاورزی از جمله گاواهن، بیل، خرمنکوب، داس و مانند آن را تهیه کنند.

لسترنج^۳ می نویسد: مسلمانان در عراق از ساسانیان، نظامی در آبیاری به ارث بردند که این سرزمین را آبادترین و حاصلخیزترین نقاط دنیا ساخته بود.

اینجا همان سرزمینی است که ارسطو در کتاب Magikos زرتشت را نخستین فیلسوف معرفی می کند. همان کشوری که غیاث الدین جمشید کاشانی برای نخستین بار عدد (π) را با

۱- سرزمین بزرگ آریایی از خوارزم تا ارتفاعات افغانستان کنونی.

۲- وداهای مهم ترین نوشتار مؤثر در شکل گیری فرهنگ شبه قاره هند.

۳- لسترنج جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی.

شانزده رقم حساب می‌کند. در ساختمان زیویه^۱ آثاری مانند مبل و میز و صندلی به دست آمده و نشانگر آن است که در سه هزار سال پیش، مادهای ایران، به رفاه و آسایش چشمگیری دست یافته بودند. رشد دانش و فرهنگ در نزد ایشان به اندازه‌ای بود که توانسته بودند با بهره‌گیری از خاصیت ظروف مرتبط، به گونه‌ای باور نکردنی در بلندای ۱۸۳۵ متری ساختمان زیویه از آب لوله‌کشی بهره‌برداری کنند.

در گات‌های زرتشت در مورد دانش و اندیشه و خرد می‌خوانیم که: «ای اهورا مزدا، با خرد پاک خود و در پرتو آیین راستی، دانش برخاسته از اندیشه نیک را به من ببخشای، تا از زندگی دراز، شادمانه برخوردار گردیم و در پرتو اندیشه نیک و راستی و دانش درست، در راه پیشرفت مردمان بکوشیم.» (عطایی، ۱۳۹۲: ۵-۹)

علم و دانش در این سرزمین جایگاه بایسته‌ای داشته که شاعرانش در طول تاریخ در وصف آن چنین سروده‌اند:

ز دانش دل پیر برنا بُود^۲

توانا بُود هر که داننا بُود

که را گنج دانش بُود، پادشاست^۳

به از گنج دانش به گیتی کیاست؟

در همه کاریش توانایی است^۴

هر که در او جوهر دانایی است

که نگردد به رستخیز تباه^۵

علما راست رتبی در جاه

رسانس و بیداری اروپا، مدیون تأثیرپذیری از فرهنگ ایران است و شعر اروپایی تأثیرات زیادی از شعر ایرانی پذیرفته است. تأثیر مولانا، سعدی، جامی، حافظ، خیام و فردوسی بر ادبیات اروپا موضوعی آشکار است. انتشار پی در پی آثار گران سنگ شعرای ایرانی در غرب تا جایی است که گاهی بیشترین شمارگان را به خود اختصاص داده‌اند و نیز نامگذاری یکی از زیج‌های کره ماه به نام دانشمند برجسته ایرانی ابوالوفای بوزجانی از افتخارات فرهنگ ایران زمین است. در این باره به گسترده‌تری می‌توان سخن گفت، اما به همین اندازه بسنده می‌کنیم که سخنی دیگر با خواننده این سطور داریم.

در سالهای اخیر، اصطلاحات جدیدی به فرهنگ مکتوب و عامه ما راه یافته است. بخشی از

۱- غر زیویه در رأس کوهی در ۵۵ کیلومتری جنوب شرقی سنتر استان کردستان که سابقه آن حداقل به دوران مادها و ماننا

۳- اسدی توسی

۲- فردوسی

می‌رسد.

۵- اوحدی مراغه‌ای

۴- نظامی گنجیه‌ای

این لغات نسبتاً جدید مانند: شهروند، حقوق شهروندی، جامعه مدنی، گفتمان، اتوپیا^۱ (آرمانشهر)، پارادایم^۲ پارادوکس^۳ و ... به تدریج در بین قشر فرهیخته و تحصیل کرده رواج پیدا کرد و پس از آن در بین عموم جامعه نیز گسترش یافت، به ساده ترین زبان ممکن پارادوکس یعنی تناقض.

آب و هوای ایران، شخصیت ما ایرانیها و گاه قوانین و شیوه اجرا، دچار نوعی پارادوکس است. در حالی که برای مدیریت بدیهی ترین امور ساده در کشور در مانده ایم و در حل مشکلات عاجزیم ادعای مدیریت جهانی داریم. از یک طرف ایران را مدینه فاضله می نامیم و از طرف دیگر شاهد ازدیاد آسیبهای اجتماعی فاجعه باری هستیم که تا حدّ یک بحران پیش می رود. آموزش و پرورش رسمی با آموزش و پرورش غیر رسمی کاملاً در تناقض با هم عمل می کنند و هیچ وجه اشتراکی در آن میان به چشم نمی خورد.

سوگمندان باید گفته بازارهای ما - به عنوان جامعه اسلامی - به تقلب و کم فروشی شهر آند. در مجامع بین المللی نسبت به وجود «حق و تو» پنج کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل اعتراض می کنیم و در داخل، به فیلتر استیوالت و حق و تو در انتخابات به دیگران، اجازه انتقاد نمی دهیم. شعار «شایسته سالاری» و «عدالت» سر می دهیم و در اجرای آن از افراد ضعیف و فاقد تخصص و مدرک مربوط بهره می بریم. به دیگران توصیه می کنیم که قانون را رعایت کنند ولی خودمان از ضایع کنندگان قانون هستیم.

در نحوه عمل سیاسی دولتها، چهار وظیفه مهم می توان برشمرد:

۱- حلّ منازعه (حلّ و فصل منازعه های درون جامعه).

۲- ایجاد همبستگی (هر دولتی موظف است که میان مردم همبستگی و الفت ایجاد کند و آنها را به یکدیگر نزدیک نماید. به این کار جامعه پذیری گفته می شود.) معمولاً نهادهای خاصی، مانند تعلیم و تربیت، رسانه ها، دانشگاهها و ... وظیفه ایجاد جامعه پذیری را بر عهده دارند. ارزشهای مشترک، زبان مشترک، پرچم مشترک، سرود ملی مشترک و ... جامعه پذیری را تقویت می کنند.

۳- نیل به اهداف: (دست یابی به اهدافی مانند حفظ استقلال، تحقق امنیت، تأمین بهداشت،

۱- اتوپیا برای نخستین بار توسط «تامس مور Thomas Moore» در سال ۱۵۱۶ برای توصیف یک نظام سیاسی اجتماعی بی عیب و نقص به کار گرفته شد و در فلسفه اسلامی از آن به عنوان «مدینه فاضله» یاد شده است.

۲- الگوواره یا پارادایم به معنای الگو و مدل و از سال ۱۹۶۰ به الگوی تفکر در هر رشته علمی و دیگر متون شناختی گفته می شود.

۳- معادل متناقض نما یا ناسازنما

آموزش و...).

۴- انطباق (از جمله وظایف مهم دولتها، انطباق جامعه با وضعیت معاصر جهان است. یعنی دولت، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کند که جامعه تحت حکومت او با مقولات زمانی منطبق باشد و از لحاظ پیشرفتهای علمی، اقتصادی، فرهنگی و... از دیگر جوامع عقب نماند. برای نیل به این هدف، باید به طور پیوسته با جهان خارج ارتباط برقرار کرد. (لکزایی، ۲۷۰، ۱۳۹۰ و ۲۶۹).

در سالهای اخیر در یک موقعیت پارادوکسیکال، دولتی داشته‌ایم که خود محلّ منازعه - به جای ایجاد همبستگی - محلّ اختلاف و موجب شرایطی بوده که منجر به دور شدن از جامعه جهانی شده‌است.

با آن‌که در متون اسلامی زمینه‌های سقوط دولتها با چهار چیز استدلال می‌شود:

۱- از بین بردن اموال (آزادی، امنیت، معاش)

۲- درآمیختن و توجه بیش از حد به فرعیات (توسعه شهر، گسترش خیابانها، زیباسازی و پرداختن به ظواهر شهری).

۳- انتصاب فرومایگان و ناهلکان (از افراد نادان و ناباب استفاده نشود).

۴- طرد دانشمندان لایق و شایسته (از صالحان کارآزموده استفاده شود. (غرر، فصل ۸۸

حکمت ۱۲)

در واقع فاصله بین شعار و عمل و توجه به این متون تا چه اندازه است؟

بانو ساروجینی نایدو^۱ - شاعر معروف هندی - گفته است: اسلام، دینی است که دموکراسی - حکومت مردم‌سالار - را تبلیغ نموده و به معرض عمل درآورد. زیرا در مسجد، هنگامی که صدای اذان بلند می‌شود پیروان این دین گرد هم می‌آیند که در واقع دموکراسی اسلامی روزی پنج مرتبه تحقق پیدا می‌کند، آنجا که فقیر و پادشاه زانو به زانو و پهلوی به پهلوی نشسته و می‌گویند: «الله اکبر»، فقط بزرگی از آن خداست. (عطائی اصفهانی، بی‌تا: ۵۷)

اگر این بانوی فاضله، به کشورمان بیاید و اظهارات برخی را، که ادعای مسلمان بودن آنها گوش فلک را کر کرده بشنود، پارادوکسی عجیب در تقابل با دموکراسی خواهد دید.

زمانی مهندس بازرگان گفته بود که: «سازمان روحانیت تحولاتی در خود ایجاد نماید تا بتواند به انتظارات جدید پاسخ دهد.» اما مهم‌تر، سخنان یک روحانی مشهور همچون شهید آیه

الله بهشتی در این زمینه است که: «بر طبق تعالیم اسلام، روحانیت جنبه سمت و مقام ندارد که در سایه آن روحانیون بتوانند امتیاز مادی خاصی به دست آورند. همچنین آنان نمی توانند آن را در حرفه‌ای نظیر حرفه‌های دیگر که برخی آن را پیشه و وسیله معاش خود ساخته‌اند، قرار دهند.» به نظر ایشان، روحانیت در اسلام به معنای آراسته بودن به فضیلت علم و تقوا و مجهز بودن برای انجام دادن سلسله‌ای از وظایف اجتماعی و دینی و واجبات کفایی است، بی آن که علم و تقوا سرمایه دنیا طلبی گردد.

شهید آیه الله مطهری نیز مطلب قابل توجهی در این راستا دارد: «انتظاراتی که امروز از روحانیت است غیر از انتظاراتی است که نسلهای گذشته از روحانیت داشته‌اند. اگر روحانیت ماهر چه زودتر نجبد و گریبان خود را از چنگ عوام خلاص نکند و قوای خود را جمع و جور نکند و روشن بینانه گام برندارد، خطر بزرگی از سوی رجال اصلاح طلب و بی‌علاقه به دین مستوجش خواهد گردید.» (نکزایی، ۱۳۹۱: ۱۶۳-۱۶۱)

سخن از مطهری و بهشتی گفتنی است. تصاویر آنان را متشکر کردن یک بحث است و البته عمل کردن به آن رهنمودها مطلب دیگری است. به رغم اصول متعدد قانون اساسی کشورمان در مورد احزاب و نقش آن همواره بین اقتدار و تحکیم دولت و فعالیت گسترده احزاب، رابطه معکوس وجود داشته است. تاریخ حضور و غیبت احزاب در صحنه سیاسی ایران (مثلاً ۱۳۲۰-۱۳۳۲ به خوبی این مطلب را نشان می‌دهد).

چرا احزاب در ایران غالباً قائم به شخص بوده‌اند نه نهاد؟ چرا احزابی که در ایران ایجاد شده، خاستگاه و پایگاه شهری داشتند و حزبی با پایگاه روستایی مشاهده نمی‌شود؟ چرا اکثر احزابی که در ایران تأسیس شده، فاقد انسجام و یکپارچگی درونی بوده‌اند و با انشعاب مکرر مواجه شده‌اند؟ چرا رابطه احزاب با گروههای سیاسی و حتی دولت، خصمانه و حذفی بوده است؟ چرا احزاب در ایران هنوز نهادینه نشده‌اند؟

در آموزه‌های دینی «تعاونوا علی البر و التقوی» (مائده/ ۲) را داریم؛ اما بر خلاف آن ضرب المثلهایی بر سر زبانهاست که ضد اقتصاد تولیدی هستند: اگر شریک خوب بود، خدا هم برای خودش شریک انتخاب می‌کرد! دیگ شراکت به جوش نمی‌آید! و مردم نیز به این تئوری ضد تولید عمل می‌کنند.

اقتصاد تولیدی بدون تعاون و مشارکت شکل نمی‌گیرد. زیرا با جمع شدن افراد مختلف و راه اندازی بورس، سرمایه‌های اندک جمع آوری می‌شود و اقتصاد تولیدی با سرمایه پیش می‌رود.